

# تریبون

## فهرست

ماسک ها دریده می شوند!  
اکس مسلم از چاله به چاله!  
آذر ماجدی و هما ارجمند ..... صفحه ۴

نامه سرگشاده به نهادهای سکولار  
در غرب ..... صفحه ۱۰

گزارش از فلسطین..... صفحه ۱۱

گزارش از لبنان ..... صفحه ۱۲

لیست امضا کنندگان بیانیه کمپین... صفحه ۱۳

گزارش سی کویاس از ایتالیا درباره حرکت  
اعتراضی کارگران..... صفحه ۱۶

"کنفدراسیون کار"  
از عشق به کارگر یا عشق به رهبری؟  
آذر ماجدی ..... صفحه ۱۷

کارگران هفت تپه و دشمنان جدید!  
اسکندال کنفدراسیون کار ایران!  
جلیل بهروزی ..... صفحه ۱۸

جولین آسانژ آزاد شد! ..... صفحه ۱۹

فراخوان شرکت در تظاهرات  
علیه نتانیاهو در آمریکا ..... صفحه ۱۹

شورای سردبیری:  
هما ارجمند،  
جلیل بهروزی،  
سوسن لاری،  
آذر ماجدی

tribune890@gmail.com

## در نقد بیانیه «صدای ما، صدای سوم» بیانیه پرو اسرائیلی است! مردم را فریب ندهید!

سوسن لاری  
۲۵ ژوئن ۲۰۲۴

بیانیه ای تحت نام «برای قطع جنگ و دفاع از امنیت مردم فلسطین و اسرائیل به میدان بیاییم» از طرف برخی در آبان ماه منتشر شد و کماکان در اختیار عموم گذاشته شده و خواهان جلب امضای بیشتری است. این بیانیه یک موضع پرو اسرائیلی دارد. آماتوری و خطوناک است. در اینجا به چند نکته می پردازیم.

### "جنگ و مخاصمه"

بیانیه پرو اسرائیلی است و نویسندگان و امضا کنندگان آن به مردم دروغ می گویند. بیانیه از "جنگ" و "مخاصمه" صحبت می کند. این نه جنگ است و نه مخاصمه. این نسل کشی مردم فلسطین توسط دولت و ارتش اسرائیل و دول حامی آن است. بیانیه با روایت اسرائیل شروع می شود. فقط کسانی از ۷ اکتبر بعنوان شروع "جنگ" صحبت می کنند که تاریخ بیحقوقی و مبارزه مردم فلسطین را نادیده می گیرند. دولت اسرائیل و دول غربی حامی آن و رسانه های بستر اصلی این روایت را می خواهند به خورد مردم بدهند که این حملات علیه حماس است و اسرائیل حق دارد از خود دفاع کند! نویسندگان و امضا کنندگان این بیانیه هم این روایت را قبول کرده اند. حاضر نیستند ببینند نسل کشی ای که اسرائیل مشغول آنست اصلا قابل مقایسه با هر حرکت تروریستی حماس نیست. این هم مد شده که هر وقت کسی این نکته را گوشزد می کند بلافاصله به او لقب طرفدار حماس میدهند!

اگر اسرائیل یک طرف "جنگ" است، ارتش طرف دیگر "جنگ" کجاست؟ آیا مردم فلسطین که هر روز کشته می شوند، از گرسنگی هلاک می شوند، زخمی و معلول میشوند، ارتش دارند؟ این جنگ نیست. این حمله وحشیانه اسرائیل برای نابودی همه فلسطینی ها است. این جنگ اسرائیل، آمریکا و غرب علیه فلسطینی ها و برای نابودی منطقه است.



سوسن لاری

اسلامی ایران است". اولاً اینهایی که "میگویند" چه کسانی هستند؟ این را فقط دولت اسرائیل و حامی هایش میگویند. شما از حمله اسرائیل به غزه دفاع میکنید.

بیانیه از بایکوت کامل سیاسی و دیپلماتیک حکومت اسلامی ایران و بستن سفارتخانه های آن سخن میگوید. در این شکی نیست که جمهوری اسلامی یکی از وحشیانه ترین دولتهای منطقه است و فقط به زور کشتار و سرکوب هرگونه آزادی به بقای خود ادامه میدهد. در این هم کسی شکی ندارد که شما مدافع اسرائیل هستید. آیا سفارتخانه های اسرائیل در دنیا نباید بسته شوند؟ آیا اسرائیل نباید بایکوت شود؟ آیا مراکز مدافع اسرائیل که خواست نابودی فلسطینی ها را دائماً پرورش میدهند را نباید تعطیل کرد؟ بعید میدانم نویسندگان و امضا کنندگان بیانیه ندانند که سیستم آموزشی اسرائیل از مهد کودک تا دانشگاه به کودکان و دانشجویان درس میدهد که فلسطینی ها انسان نیستند و باید نابود شوند. سربازان ارتش اسرائیل صرفاً فلسطینی ها را نمی کشند، از شکنجه دادن آنها خوشحال میشوند. نمونه های جنایات اسرائیل فراوان است. نویسندگان بیانیه یا اینها را نمی دانند یا می دانند و با وقاحت از شما می گذرند! هر دو حالت جای تاسف دارد. نویسندگان کاملاً آگاه هستند که نیازی به خواست برچیده شدن بساط اسرائیل ندارند.

### راه حل!

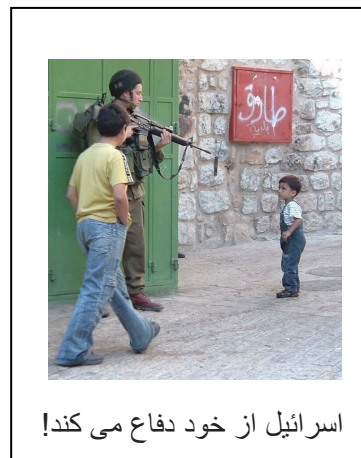
شاهکار بیانیه در پاراگراف آخر است. بیانیه بالاخره راه چاره را پیدا کرد: "برای مقابله با کشتار بیرحمانه مردم و قطع جنگ فعلی ما معتقدیم سازمان ملل میتواند اداره غزه را بعهده بگیرد و سازمان حماس و نیروهای تروریست اسلامی و ارتش اسرائیل را از این منطقه بیرون کند. از این طریق میتوان زمینه اداره غزه به دست ساکنین آن فراهم شود". اگر نویسندگان و امضا کنندگان بیانیه، خواست تشکیل دو کشور را دارند (البته گفته اند دو دولت و نه دو کشور که خلاف مهادده اسلو است) پس چرا اداره امور باید دست سازمان ملل باشد؟ اگر فلسطین یک کشور مستقل است چرا سازمان ملل باید امورش را در دست بگیرد؟ سازمان مللی که رای شورای امنیتش با وتوی آمریکا میتواند بی مصرف شود. چرا فلسطینی ها نمیتوانند امور خودشان را در دست بگیرند؟ یادگفتار کثیف دولت اسرائیل میافتم که میگوید فلسطینی ها مادون انسان هستند.

میخواهید سازمان ملل سازمان حماس، نیروهای اسلامی و ارتش اسرائیل را از منطقه بیرون کند و به کجا بفرستد؟ در اول مقاله ام نوشتم که این بیانیه بخشا آماتوری است. ساده لوحانه و بشدت خطرناک است. چرا دولت اسرائیل در این میان باید قصر در برود؟ دولت اسرائیل هم همین را میخواهد. این بیانیه استقلال را فقط برای اسرائیل میخواهد. چند نفر باید کشته شوند تا اینکه شما خواست محاکمه دولت اسرائیل در دادگاه بین المللی به جرم نسل کشی را به خواستهای بیانیه تان اضافه کنید؟ اگر این دلیل

ترم "مخاصمه" توسط دولتها، سازمان ملل و رسانه ها استفاده می شود. تعجب آور نیست که نویسندگان بیانیه هم از آن استفاده می کنند. حتی ترمینولوژی شان شبیه رسانه های دولتی است. نسل کشی را مخصوصاً (conflict) می نامند تا میزان جنایت را کاهش دهند؛ تا سببیت و وحشی گری اسرائیل را تخفیف دهند. مردم فلسطین درگیر مخصوصاً نیستند. تحت اشغال یک رژیم آپارتاید و سرکوبگر اسیرند و اکنون هشت ماه است که مردم غزه دارند قتل عام می شوند. مردم فلسطین خواهان آزادی، رفاه و کنترل زندگی شان هستند. این مخصوصاً نیست. این یک مبارزه واقعی برای زندگی است. اسرائیل میخواهد فلسطینی ها را نابود کند.

### دفاع از کی؟

بیانیه از دفاع امنیت مردم فلسطین و اسرائیل صحبت می کند. آیا مردم اسرائیل مرتب زیر بمباران هستند؟ آیا توسط فلسطین اشغال شده اند؟ آیا از گرسنگی در هلاکتند؟ آیا برق و آب ندارند؟ آیا امکانات پزشکی از آنان سلب شده؟ آیا پدر و مادران هر روز و هر دقیقه شاهد تکه پاره شدن فرزندانشان هستند؟ آیا در زندان هستند؟ آیا نسل کشی در اسرائیل در جریان است؟ این بیانیه امنیت مردم در اسرائیل را با امنیت مردم در فلسطین در کنار هم گذاشته است. بیش از دو میلیون فلسطینی آواره شده اند، خانه هایشان بمباران شده، مراکز پزشکی و آموزشی شان با خاک یکسان شده، بیمارستانها نابود شده اند و پرسنل آنها کشته شده اند.



اسرائیل از خود دفاع می کند!

در کجای سیاست جهان قرار گرفته اید؟ بحثی از جنایات اسرائیل نمی کنید. درکنار اسرائیل ایستاده اید و "جنگ" را چنین توضیح میدهید. بیانیه با روایت دولت اسرائیل شروع میشود: "بعد از قتل عام حداقل ۱۴۰۰ نفر از مردم اسرائیل به دست تروریستهای حماس، ...". کمتر کسی پیدا میشود که هنوز نداند که حماس توسط خود اسرائیل درست شده است. دولت اسرائیل از این موقعیت استفاده کرد که برنامه دیرینه خود مبنی بر نابودی کل فلسطین و بیرون کردن و کشتن مردم فلسطین را توجیه کند. دولت اسرائیل ۷۵ سال است که میخواسته کل غزه و کناره غربی را به جغرافیای اسرائیل ملحق کند و البته بدون وجود حتی یک فلسطینی در آنجا. این بیانیه در عمل همان روایت دولتی که میگوید "چون به ما حمله شده پس ما حق داریم از خود دفاع کنیم" را قبول کرده، و به روایت اسرائیل و دول غربی حامی آن متکی است. بیانیه در همان پاراگراف اول "میگویند همه این جنایات پاسخ دولت نتانیا هو به جنایت هولناک حمله تروریستهای وابسته به حماس و جمهوری

کافی برای محکوم کردن نظام آپارتاید، سرکوبگر و جنایتکار اسرائیل نیست، پس چی میتواند باشد؟ دولتهای سرکوبگر مانند جمهوری اسلامی و اسرائیل جایی در این دنیا ندارند و باید توسط نیروی انقلابی مردم سرنگون شوند. هرگونه بده بستون با سازمان ملل و دولتها نمیتواند صلح، آزادی و برابری برای مردم ایجاد کند.

### قطب سوم

نیروهای مدافع بیانیه، در مقابل تروریسم دولتی و اسلامی، بعضا از وجود قطب سوم، یعنی مردم معترض، نام میبرند و خود را جزیی از این قطب میدانند. نباید گول بخوریم و اجازه دهیم چنین بیانیه ها سر مردم را گول بزنند. تعریف آنها از قطب سوم، دادن سرنوشت مردم فلسطین و منطقه به سازمان ملل (بخوان دولتها) است. این سیاست نه تنها ربطی به قطب سوم ندارد، بلکه به قطب تروریسم دولتی متکی است. عین حرف نتانیاهاست. اتفاقا بیانیه با تاکید بر اینکه باید جمهوری اسلامی را از مجامع بین المللی بیرون کرد چنین میگوید: "ما خواهان تظاهراتهایی وسیع در دنیا برای دفاع از زندگی و امنیت و آزادی مردم فلسطین و اسرائیل هستیم". معلوم نیست نویسندگان بیانیه، در کره زمین اسکان میکنند یا نه. این تظاهراتها در

اقصى نقاط دنیا در جریان است. قطب سوم جلوی چشممان است و خواهان آزادی و عدالت برای فلسطین و خواهان محکومیت اسرائیل و موتلفینش است. ولی چون همزمان جمهوری اسلامی را محکوم نمیکند پس به قطب سوم تعلق ندارند! فرمول اینها اینست که باید همزمان پلاکادرهای علیه حماس و جمهوری اسلامی در این تظاهراتها حمل شود وگرنه نباید در آنها شرکت کرد چون به معنای دفاع از حماس است! اگر جرئت دارید این را به مادری که در غزه یک لحظه فرزندش را به سفتی بغل کرده که کشته نشود و یک دقیقه بعد جسد مرده او را بغل کرده، بگویید. به فلسطینی هایی که از تحصن دانشجویان در آمریکا و سایر کشورها در محکومیت اسرائیل و در دفاع از فلسطینی ها تشکر کردند بگویید تشکرشان را پس بگیرند چون این دانشجویان همزمان حماس و جمهوری اسلامی را محکوم نکردند!

مردم فلسطین درباره سرنوشت خویش تصمیم میگیرند. مردم فلسطین منتظر خواسته های پرو اسرائیلی شما نیستند. دادن سرنوشت مردم فلسطین به سازمان ملل و دول غریبی، آنجور که بیانیه ادعا میکند به معنای خلع سلاح مبارزه مردم فلسطین، و تقویت حماس و اسلام سیاسی در منطقه است.

آیا می توان به این عکس ها نگرست و به این دنیای کثیف و حاکمان جنایتکار آن تف نیانداخت؟ آیا می توان به این عکس ها نگرست و ساکت از آن عبور کرد؟ برای محکوم کردن شرط و شروط گذاشت؟ به این عکس ها نگاه کرد و خشم تمام وجود انسان را در برنگیرد؟ هر آنکس که به هر دلیل سیاسی در برابر این جنایات سکوت می کند یا آترا اجتناب ناپذیر می نامد فرق چندانی با آن کسی که در برابر پول اینکار را می کند، ندارد. وجدان خفته و وجدان فروخته در نتیجه نهایی در کنار هم قرار می گیرند. به ادعای دادخواهی که چشم بر جنایت در یک گوشه از جهان می بندد، نمی توان اعتماد کرد. ادعای انساندوستی کسی که چشم بر این جنایت بخاطر اسلام، تروریسم اسلامی، سوءاستفاده رژیم اسلامی می بندد را نمی توان جدی گرفت. یکی از بزرگترین نسل کشی های تاریخ دارد در مقابل چشمان ما رخ می دهد. اگر الان نه، پس کی؟



# ماسک ها دریده می شود!

## اکس مسلم از چاله به چاه!

آذر ماجدی و هما ارجمند



هما ارجمند



آذر ماجدی

مریم نمازی در مقاله ای با عنوان "تبلیغات و اخلاق اسلامی آذر ماجدی و هما ارجمند" احکام قلمبه سلمبه ای صادر کرده است. آذر ماجدی و هما ارجمند را متهم به هواداری از جنبش اسلامی نموده و حتی اخلاقیات آنها را نیز اسلامی خوانده است.

ابتدا لازم است اعلام کنیم که ما از بحث و جدل باز کاملاً استقبال می کنیم. قصد ما از جدل و جدال سیاسی صدور حکم و قضاوت نیست. ما داور سیاسی نیستیم. ما قاضی نیستیم. ما مفسر تاریخ نیستیم. ما فعال سیاسی کمونیستیم که برای یک دنیای بهتر مبارزه می کنیم؛ برای دنیایی که همه انسان ها آزاد و برابر و مرفه زندگی می کنند. ما بعنوان کمونیست های واقعی در هر کجای دنیا بی عدالتی ببینیم به خروش می آییم و می کوشیم که سهم خود را در تحقق عدالت ایفاء کنیم. از اینرو است که با دیدن تصاویر قتل عام مردم در غزه، کودکان به خاک و خون در غلطیده، با دیدن تُن ها بمبی که بر سر مردم بی پناه غزه ریخته شده است، خون انسانیت مان به جوش آمد. وجدان مان به درد آمد. تصمیم گرفتیم که سهمی ادا کنیم.

ما خواهیم کوشید که تا حد امکان در مباحث مریم نمازی تعمق کنیم و به آنها پاسخ درخور بدهیم؛ هر چند که متأسفانه جز تعدادی اتهام و احکام پوچ بیش نیست.

احکام ابتدای مقاله بدون هیچ دلیل و استدلالی اعلام می کند که این دو فعال کمونیست، فعال جنبش آزادی زن، و فعال تحقق عدالت برای مردم فلسطین از "تبلیغات و ادبیات اسلامی" استفاده می کنند. آیا این ادعا یا بهتر است بگوییم این اتهام دارای یک پایه و اساس حقیقی و زمینی است؟ خیر. ایشان ظاهراً تابع سیاست "سنگ مفت گنجشک مفت" هستند. آنها متوجه شده اند که تصویر دروغین ترقیخواهی، آزادیخواهی و انساندوستی شان سریعاً رنگ می بازد. عمارت پوشالی عقل و خرد خودساخته در حال ریزش است. وقتی انسان در یک خطر سرنوشت ساز قرار می گیرد به هر وسیله ای متوسل می شود. این موقعیت اکس مسلم در شرایط اسکاندال کنونی است. پرتاب اتهامات پوچ و واهی و مسخره تنها مفر مریم نمازی و اکس مسلم است.

"انتقادات اخیر آذر ماجدی و هما ارجمند از فمینیست ها، سکولارها و مسلمانان سابق تحت عنوان دفاع از مردم فلسطین، با توجه به استفاده آنها از تبلیغات و ادبیات اسلامی و چپ اسلام گرا نگران کننده است. ... این موضع که نظامی گری تحت رهبری ایالات متحده را تهدید بزرگتری می داند - و از این رو

تنها مرکز توجه - بخصوص از سوی فعالین حقوق زن و کمونیست که دهه ها سال علیه رژیم اسلامی ایران مبارزه کرده اند، هشدار دهنده است."

حکم اول را کمی کالبد شکافی کنیم: طبق گفته ایشان ما در نقد "فمینیست ها، سکولارها و مسلمانان سابق تحت عنوان دفاع از مردم فلسطین از تبلیغات و ادبیات اسلامی و چپ اسلام گرا استفاده کرده ایم!" جل الخالق! این یک دروغ شاخدار است. ما طی یک نامه سرگشاده ریاکاری و معیارهای دوگانه نهادهای سکولار در غرب را نقد کرده ایم. افشاء کرده ایم که سکولاریسم آنها و نقدشان متوجه و متمرکز روی اسلام است. ذره ای، اسیلونی یهودیت را نقد نمی کنند. مذهبی به همان میزان اسلام، ارتجاعی، زن ستیز، ضد آزادی و مملو از خرافات. لام تا کام درباره مذهب یهود سخن نمی گویند. نقدشان کرده ایم که حکومت اسلامی را نقد می کنند ولی لام تا کام درباره حکومت یهودی، بقول نتانیاهاو "تنها حکومت یهودی در دنیا" سخن نمی گویند؛ حتی وقتی کودکان فلسطینی را با کلام تورات قتل عام می کنند. (اینها از بغض "یهودی ستیزی" ما نیست. توسط خود تلویزیون اسرائیل پخش شده است و توسط سربازان اسرائیلی از صحنه ها فیلم گرفته شده و با افتخار در سوشیال میدیا پخش شده است.) خود را انساندوست، ترقی خواه و آزادیخواه می نامند ولی در برابر یک نسل کشی که هر روز در صفحه تلفن هایشان قابل رویت است، سکوت کامل اختیار کرده اند.

ما جنبش سکولاریست و جنبش فمینیستی را بخاطر سکوتشان در برابر یک نسل کشی، یک فاجعه تاریخی انسانی نقد کرده

ایم. ادعای دفاعشان از آزادی و ارزش های انسانی را پوچ و تو خالی خوانده ایم. یک بام و دو هوا نمی شود؛ جنایت، سرکوب و بی عدالتی باید در هر شکل و فرم محکوم شود، انتخابی نیست. ما دقیقا به این دلایل این جنبش ها را فاقد هر گونه پرنسپب انسانی، سیاسی، و اجتماعی خواندیم. آیا اینها ادبیات اسلام سیاسی و جنبش اسلامی است؟ خودتان خنده تان نمی گیرید؟ راستش انسان نمی داند از اینهمه سقوط و بی پرنسپبی بخندد یا بگریزد. (نامه سرگشاده ما به نهادهای سکولار غرب در همین شماره، صفحه ۱۰، منتشر شده است.)\*

شما با پرتاب کردن اتهام نمی توانید وجدان خود را از شرمی که به آن آغشته شده، و آبروی بر باد رفته تان را نجات دهید. پس از هشت ماه نسل کشی بیست و چهار ساعته در غزه؛ پس از کشتار حدود پنجاه هزار انسان که بیش از پانزده هزار نفر آن کودک اند؛ پس از معلول و یتیم کردن هزاران کودک؛ پس از نابود کردن کامل غزه، بیمارستان ها، دانشگاه ها، مدارس و هر زیر ساخت شهری؛ پس از قحطی دادن و قطع آب نزدیک به دو میلیون انسان؛ پس از آنکه تمام سازمان های "حقوق بشر" بین المللی جنایات اسرائیل را محکوم کردند؛ پس از آنکه میلیون ها انسان در سراسر جهان بمدت هشت ماه به خیابان ها آمدند؛ پس از آنکه یک جنبش بین المللی برای عدالت و آزادی مردم غزه و فلسطین و محکومیت اسرائیل و موثلفین غربی در راس آن آمریکا با حرارت به میدان آمده است، شما بالاخره سکوت هشت ماهه را شکستید و عبارت نسل کشی را برای جنایات اسرائیل در غزه بکار بردید. (البته، شورای مرکزی اکس مسلم، این را هم نپذیرفته است. موضع آنها شبیه موضع دفتر نتانیاها یا آنتونی بلینکن است.)

هشت ماه سکوت کردید و اکنون که یک بخش قابل ملاحظه ای از هیات حاکمه در غرب و بخشی از کابینه خود نتانیاها به شیکوه و غر و لُند بلند شده اند و تلاش می کنند که با صحنه سازی و در مرحله آخر با پرتاب نتانیاها زیر اتوبوس خود را نجات دهند، روایت این منتقدین فرصت طلب را از این نسل کشی ارائه می دهید. حماس و اسرائیل در این جنگ دخالت دارند و ظاهرا "یک جنگ قومی - مذهبی" است! این تحلیل نه تنها هیچ ربطی به کمونیسم کارگری ندارد، بلکه به تاریخ، حقیقت روی زمین، و انسانیت نیز بی ربط است. این شماست که خود را زیر غول اسلام سیاسی پنهان کرده اید و بنفع اسرائیل روایت اسرائیل و آمریکا را از این نسل کشی اشاعه می دهید. دستتان رو است.

بعلاوه، اگر ادعا می کنید که این جنگ قومی - مذهبی است، آیا قبول دارید که اسرائیل یک رژیم مذهبی است که آپارتاید قومی و

مذهبی بر مردم فلسطین تحمیل کرده است؟ یا اینکه بخش قومی و مذهبی فقط شامل فلسطینی ها است که شما به روش حاتم بخشی همه را تحویل حماس داده اید؟ مطلع هستید که در آمریکا و کانادا طی ماه های اخیر چندین میتینگ معاملات ملکی در سفارت اسرائیل یا سناگوگ یهودی برای فروش اراضی تصرف شده در ساحل غربی برگزار شده که زمین ها را به یهودی های سفید پوست غربی می فروشند؟ آخرین آنها همین چند روز پیش در یک سناگوگ در لس آنجلس برگزار شد که تظاهرات وسیعی در مقابل آن سازمان یافت که با خشونت وحشیانه پلیس و لات های پرو اسرائیلی مواجه شد. (حتما پاسخ خواهید داد که این تبلیغات "یهودی ستیزانه" است.)

گفته اید که ما مسلمانان سابق را متهم کرده ایم.... مسلمانان سابق چه کسانی هستند؟ در چه نهادی جملگی متشکل اند؟ چگونه شما بخود اجازه می دهید که از جانب تمام کسانی که بقول شما یک زمانی مسلمان بوده اند و سپس آنرا کنار گذاشته اند سخن بگویید؟ چه حق بجایی و خودخواهی که بخود مدال سخنگویی تمام کسانی که یک زمانی شاید مسلمان بوده اند، می دهید.

ما اکس مسلم را عمیقا نقد کرده ایم. اکس مسلم یک سازمانی است که با یک برنامه و هدف معین سیاسی بعنوان موزائیکی در پروژه جنگ تمدن های غرب علیه اسلام ساخته شده است. (لازم نیست ما درباره چگونگی پیدایش اکس مسلم با هم جر و بحث کنیم. هم شما می دانید و هم ما.) اکس مسلم از همان ابتدا چهار نعل در جهت این هدف دویده است. و در این شرایط خطیر در دنیا و در غرب دارد بشیوه خطرناکی در دست جریانات راست، فاشیست و راسیست بازی می کند. درست است که بر سر نسل کشی غزه میان دو شاخه آن، یعنی شورای مرکزی اکس مسلم در آلمان و شورای اکس مسلم در بریتانیا اختلاف نظر جزئی پیدا شده است ولی در هدف و برنامه سیاسی کاملا مشترک اند.

حکم داده اند که ما "نظامی گری تحت رهبری ایالات متحده را تهدید بزرگتری" می دانیم و آنرا "موضعی هشدار دهنده" ارزیابی کرده اند. اولاً، ما هیچگاه چنین موضعی را نه فرموله و نه مطرح کرده ایم. ما از تروریسم دولتی به سرکردگی آمریکا صحبت می کنیم. و قلدری آمریکا و غرب را برای ریاست جهان نقد می کنیم. لفظ "نظامی گری" لفظ جریان شما است. ثانیاً، آیا شما بر این عقیده هستید که تروریسم اسلامی در موازنه جهانی هم وزن و هم قدرت تروریسم دولتی است؟

تریبون را پخش کنید. با ما تماس بگیرید.  
tribune890@gmail.com

در اینجا از این حقیقت چشم پوشی می کنیم که تمام این سازمان ها و کل جنبش اسلامی ساخته و پرداخته آمریکا و غرب با دخالت اسرائیل است؛ فرض می گیریم که جملگی کنار جمهوری اسلامی در مقابل "نظامی گری به رهبری آمریکا" صفتندی کرده اند؛ آیا قدرت جمهوری اسلامی با تمام سازمان های تروریست اسلامی با قدرت ناتو قابل قیاس است؟ این حکم را جلوی یک نوجوان تازه وارد به سیاست هم بگذارید خواهد خندید.

به جنگ ها و ویرانی ها، نسل کشی ها و قتل عام های سی سال اخیر در جهان نگاهی بیاندازید، قدرت ویرانگر و جنایتکار این دو قطب را با هم مقایسه کنید. حس تناسب هم خوب چیزی است. برای مبارزه با دشمن، شما نیاز ندارید قدرتش را از آنچه هست بیشتر نشان دهید؛ غول آسا ترش کنید. جنایات جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی احتیاج به آگراندیسمان ندارد. برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، برای سازماندهی یک انقلاب کارگری ما نیاز نداریم جمهوری اسلامی را از آنچه هست بزرگتر و قوی تر جلوه گر کنیم. این تاکتیک نتیجه عکس خواهد داشت.

آیا چنین موضعی از بی اطلاعی از اوضاع سیاسی جهان، تاریخ جنگ در خاورمیانه و شکل گیری اسرائیل، تاریخ ۱۰۰ سال و بویژه هفتاد و پنج سال اخیر مساله فلسطین و اشغال و سرکوب و نسل کشی اسرائیل، از بی اطلاعی از آنچه در خاورمیانه اتفاق افتاده است، ویرانی کامل افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، و فلسطین و از آن گسترده تر در آفریقا، باید گذاشت یا از یک نقشه برنامه ریزی شده برای اشاعه دروغ و فریب بنفع تروریسم دولتی و اسرائیل؟

از آنجا که ما در نسل کشی غزه، حماس را محکوم نمی کنیم؛ (همانگونه که در نسل کشی های پیشین اسرائیل نیروهای فلسطینی، بطور نمونه سازمان الفتح را علیرغم ندهای عمیقی که به این جریان داشتیم، در نسل کشی مردم فلسطین نقد نمی کردیم) به طرفداری از اسلام سیاسی متهم شده ایم. این همان چیزی است که ننانیاهو، جو بایدن، جرج شولتز، ریشی سوناک و امانوئل ماکرون می گویند. آنچه رسانه های بستر اصلی، سی ان ان و بی بی سی و تلویزیون آلمان و فرانسه بهم می بافند؛ مامورین اسرائیل و آمریکا از قبیل پیرس مورگان و بن شاپیرو و سکولاریست های مشهور، ریچارد دوکینز، سام هریس و بیل مار و دار و دسته تحویل می دهند. عمقی در این حکم نیست، زیرا تحلیلی پشت آن نیست. روایتی دروغین از یک حقیقت تاریخی است. نمی توان چنین حکمی را بویژه از چنین جریانی جدی گرفت. یک حکم تو خالی تبلیغاتی است که غورت داده شده و اکنون تحویل داده می شود. توسل به چنین روش های مبتذلی بیش از هر چیز بیانگر استیصال است.

ما در رابطه با نقش حماس در فلسطین و رابطه حماس و اسرائیل صحبت های بسیاری کرده ایم. حماس را برای جنایت،

سرکوب، فساد، دزدی و ارتجاع باید افشاء و محکوم کرد. برای نسل کشی در غزه؟ خیر. کمی تاریخ را مطالعه کنید؛ کمی حقوق بین الملل را بخوانید؛ اگر هنوز تمام ذهنتان با خرافه انباشته نشده باشد، متوجه مساله خواهید شد.

دلیل دیگری که برای زدن این اتهام ارائه می دهند این نکته است که ما به قدر قدرتی جنبش اسلامی اعتقاد نداریم. ما جنبش اسلامی را ضعیف تر از آنچه اکس مسلم ارائه می دهد می دانیم. آنها معتقدند که اسلام سیاسی خطر بزرگتری از تروریسم دولتی است. خطر حماس ظاهرا از اسرائیل بیشتر است. ما با این نظر مخالفیم. از اینرو به هواداری از اسلام سیاسی متهم شده ایم.

مضحک است از یک سو جنبش اسلامی آنقدر ضعیف است که ظاهرا با اعتراض عریان و می خواری و نمایش رقص و آواز در برابر اماکن منتسب به اسلامی ها، می توان عقبش راند و از سوی دیگر از تروریسم دولتی، اسرائیل و آمریکا و ناتو قوی تر است و لذا تهدید بزرگ تری برای جهان، غرب و منطقه! این استدلال سر تا پا تناقض را چگونه باید پاسخ گفت؟ متأسفانه تمام نوشته و تمام آنچه بعنوان فاکت و استدلال ارائه شده است مملو است از تناقض و عدم انسجام. وقتی مغز آغشته شد از خرافات، امکان هر گونه تعمق و استدلال منطقی از انسان سلب می شود، و بجای منطق یک مشت ورد حفظ شده و غورت داده شده بیرون ریخته می شود.

حکم داده اند که ما درک مان از مقوله قطب سوم، که منصور حکمت در تحلیل دنیا پس از یازده سپتامبر مطرح کرده است، "سطحی" است. "در حالی که بطور سطحی به قطب سوم، قطب مردم اشاره می کنند... اما عملاً نقش اسلام سیاسی را در سرکوب و بازسازی راستگرایانه در جوامع را نادیده می گیرند." راستش این جمله بشدت نامفهوم است. سطحی دیدن قطب سوم چه ربطی دارد به نادیده گرفتن نقش اسلام سیاسی؟ بعد نقش راستگرایانه اسلام سیاسی در "جوامع"، در کدام جوامع؟ در همه دنیا؟ وقتی می خواهند مقولات بی ربط را بهم بیافند از این بهتر نمی شود.

اولا قطب سوم، قطب مردم نیست. ظاهراً شما باید که اصلاً بحث منصور حکمت را درک نکرده اید. قطب سوم، قطب مردم علی العموم نیست، قطب مردم آزادیخواه و انساندوست است. بعلاوه، این میلیون ها انسانی که هشت ماه است به خیابان ها آمده اند و خواهان پایان نسل کشی، محکومیت اسرائیل و موتلفین غربی اش، خواهان بازگشت مردم غزه به محل زیست شان و خواهان پایان اشغال فلسطین توسط اسرائیل هستند، جنبش دانشجویی که دنیا را مجذوب خود کرده است، قطب سوم نیستند؟ آیا اکس مسلم و رفقای ضد مسلمان طرفدار اسرائیلیش قطب سوم را می سازند؟

وقتی از آنها انتقاد می شود که چرا در مقابل مذهب یهود و دولت یهودی اسرائیل ساکت اید؟ چرا معیارهای دو گانه دارید؟ ریاکاری، برآشفته می شوند و ما را "ضد یهود" خطاب می کنند. ظاهراً نقد مذهب یهود، دستگاه مذهبی یهود، خاخام ها (بخوان ملاهای یهود) و اسرائیل، عملی یهود ستیزانه است. این شما را یاد چه می اندازد؟ تبلیغات کر کننده و مضمّن کننده بی بی سی، سی ان ان، دولت های غرب، جو بایدن و آنتونی بلینکن، جرج شولتز و ریشی سوناک و استارمر (رهبر حزب کارگر)، پیرز مورگان و بن شاپیرو. عدم انسجام و تناقض تمام دستگاه فکری شان در مورد اسرائیل و فلسطین را فرا گرفته است.

وقتی به آنها گفته می شود که تبلیغات و حرکات تحریک آمیز اکس مسلم مانند اعتراض برهنه و می خواری در برابر اماکن منتسب به مسلمانان موجب نه فقط تحریک مسلمانان، بلکه شیطان سازی از مسلمانان، ایجاد کینه و تخاصم در جامعه و رشد مسلمان ستیزی می شود، پاسخ می دهند که آذر ماجدی و هما ارجمند در کنار اسلامیت ها و جمهوری اسلامی ایستاده اند و تبلیغات و اخلاقیات اسلامیت ها را بکار می برند. اما جالب اینجاست که بمحض آنکه یک افشاگری از دستگاه مذهب یهود ارائه می شود، تهمت "یهودی ستیز" بر زبانشان جاری می شود. آیا متوجه تناقض، عدم انسجام، ریاکاری و یک بام و دو هوای تحلیل و موضع سیاسی خود می شوید؟

به مهملاتی می رسیم که در مورد آذر ماجدی بخاطر نقد فراخوان مارش عظیم ایرانیان علیه تروریسم اسلامی در آلمان، ردیف شده است. موضوع اصلی دعوا ظاهراً بر سر این نکته است که آذر ماجدی با نظر آنها در مورد سایز، قدرت، و خطر جنبش اسلامی در غرب توافق ندارد. از اینرو که آذر اعلام کرده اکنون در غرب خطر رشد فاشیسم، راسیسم و جنبش ضد مهاجر و پناهنده بسیار بیشتر است و هشدار می دهد که تبلیغات ضد اسلامی و زدن بر طبل تبلیغات فاشیست ها مبنی بر اینکه تروریست های اسلامی غرب را تسخیر کرده اند بازی کردن در دست جریان فاشیست و دست راستی است، به او اتهام دفاع از جنبش اسلامی و رژیم اسلامی زده شده است.

جالب است. در یک دنیای بدون خرافه و فارغ از منافع مادی و سیاسی معین، مساله وزنه و قدرت یک جنبش معین می تواند موضوع یک دیالوگ منطقی قرار گیرد. این اختلاف نظر سیاسی می تواند مورد بحث قرار گیرد؛ نیرو و وزنه این نیرو می تواند مورد مجادله باشد. کلام خدا که نقض نشده، کفر که گفته نشده است. اما اکس مسلم از آنجا که هدفمند در دفاع از اسرائیل فعالیت می کند، این تحلیل درباره وزنه، قدرت و میزان واقعی خطر جریان اسلامی در غرب در شرایط حاضر را تبدیل به یک اتهام کرده است. اتهام دفاع از جنبش اسلامی یا رژیم اسلامی. (جا دارد اشاره شود که طی این هشت ماه، تا همین چند روز پیش، اکس مسلم ضمن سکوت کامل در برابر نسل کشی در غزه بر فعالیت ضد اسلامی اش افزوده است. مامور و معذور!)

چنین موضع گیری عوامانه ای از یک سازمانی که ادعای خرد و منطقی و عقل دارد، مدعی برخورداری از دانش و درک بالایی از دنیا است و همچنین مدعی است که بر مبنای دانش و خرد اسلام را طرد کرده است، کمی ناهنجار بنظر می رسد. چنین موضعی هر گونه خرد و منطقی را کاملاً نفی می کند. بیانگر خرافه است. معنای واقعی خرافه یعنی نفی علم و منطقی و اعتقادات بدون پایه و اساس علمی یا واقعی. آنچه خرافات، تبلیغات و روایت دروغین اسرائیل و ایدئولوگ های غربی را غورت داده اند که حتی متوجه تناقض و معیارهای دوگانه خود نیز نمی شوند.

ادعا می شود که آذر ماجدی با هشدار دادن به خطر رشد فاشیسم، راسیسم و مهاجر و مسلمان ستیزی و نمونه آوردن از عقب ماندگی، ارتجاع و جنایت دستگاه مذهبی یهود، یهودی ستیزی می کند، و در کنار اسلام سیاسی قرار می گیرد. جالب است پس از یک پاراگراف درس درباره آزادی بیان و حق نقد مذهب در هر شکل و فرمی، و وارد آوردن اتهام اسلامیت به کسی که حرکات تحریک آمیز آنها را بعلت دامن زدن به فضای مسلمان ستیزی نقد می کند، در برابر یک افشاء گری از دستگاه یهودیت، از سانگوگ، ایشان بلافاصله اتهام یهودی ستیز و طرفداری از اسلامیت ها را پرتاب می کند. کمی بخود بنگرید. ببینید چه میزان تناقض در همین چند صفحه بر زبان آورده اید.

در نقد فراخوان به مارش ضد اسلامی، آذر ماجدی، مینا احدی را برای هدف قرار دادن جامعه افغانستانی مورد نقد قرار داده است. وی اعلام کرد که این فراخوان فضا را نه تنها برای مردم و بخصوص مردان جوان افغانستانی و کلا مردم منطقه، در آلمان بسیار سخت و خطرناک می سازد، بلکه بر موقعیت افغانستانی ها در ایران نیز تأثیرات مخرب و خطرناکی خواهد گذاشت. درباره موقعیت سخت و بی حقوق افغانستانی ها در ایران و خشونت و سرکوب رژیم اسلامی و راسیسم ضدافغان ذاتی ناسیونالیسم ایرانی هشدار داده شد. آیا طبق روش استدلال این نوشته نباید مینا احدی و اکس مسلم را در سرکوب افغانستانی ها کنار جمهوری اسلامی قرار داد؟

مریم نمازی می نویسد: "آذر می گوید او طرفدار آزادی بی قید و شرط بیان است، اما (همان امای معروف) ولی مردم را تحریک نکنید." آذر ماجدی همواره اعلام کرده است که از آزادی بی قید و شرط بیان دفاع می کند. این یک اصل برنامه یک دنیای بهتر، برنامه ما است. حق آزادی بی قید و شرط بیان یک رابطه حقوقی - سیاسی مابین شهروند و دولت است، نه دو شهروند. این دفاعیه بمعنای دفاع از سخنان شما نیست، دفاعی است از حق شما برای بیان نظرات تان بدون دخالت دولت و پلیس است. آذر نیز بعنوان یک شهروند حق دارد که تمام سخنان و تبلیغات شما را شدیداً نقد کند بدون دخالت دولت و پلیس. آذر در اینجا دقیقاً دارد این حقش را

اعمال می کند. نقد روش های تحریک آمیز و خصومت آمیز شما، تحقیر و شیطان سازی کردن از بخشی از جامعه، به خطر انداختن موقعیت و امنیت زندگی آنها.

صمیمانه یک سوال مطرح می کنیم: آیا شما واقعا بر این نظریه که با می خواری و سیگار کشیدن با ژست هنرپیشه های دهه شصت فرانسوی در مقابل مکان هایی که با مسلمان و اسلام تداعی می شود، در ماه رمضان، شما چه تاثیری بر روی کودک، نوجوان و جوان در محیط مسلمان می گذارید؟ وقتی مشروب و سیگار را در مقابل روزه می گذارید چه آموزشی به این نوجوانان و جوانان می دهید؟ چه خرافه ای را می شکنید و چه حقیقت یا خردی را جای آن می نشانید؟ چگونه این حرکت باعث روشننگری در این کودکان و جوانان می شود؟ اینها سوالاتی واقعی است. آیا تابحال به آنها اندیشیده اید؟ بعنوان انسانی که معتقد است از روی دانش و عقل و خرد اسلام را ترک کرده است و می خواهد غافلان دیگر را آگاه کند، این سوالات باید عمیقا قبل از انجام هر حرکتی تحلیل و بررسی شود. با پاسخی که دادید معلوم می شود که این سوالات حتی به ذهن تان نیز خطور نکرده است. تنها محرکه، عشق به تحریک است.

طنز اینجاست که اگر شما مشروب و سیگار را در مقایسه با روزه نه فقط در مقابل هر پزشک و نرس، بلکه در برابر هر انسان برخوردار از عقل روزمره بگذارید، متعجب خواهد شد که کسی انتخاب آن دو را عقلایی تر، منطقی تر، عالمانه تر و به این معنا برتر نسبت به آن این یکی بداند و تبلیغ کند. حالا متوجه شدید که مبارزات، تحلیل ها و تبلیغات تان تا چه حد سطحی، بدون ذره ای تعمق و بعضا بسیار مضر هستند؟ (در تریبون ۴ مقاله ای از آذر ماجدی تحت عنوان "دین افیون توده ها است؛ با افیون چه باید کرد؟" بچاپ رسیده است. برای روشن شدن این بحث خواندن این مقاله را توصیه می کنیم.)

از آذر ماجدی خواسته شده است که نام سازمان های سکولار، فمینیست و طرفدار دموکراسی که از دولت های غربی و نهادهای دموکراسی غربی پول می گیرند را اعلام کند. لیست بلند بالا است. خود شما هم می دانید، پس لطفا ژست کسی که گویی یک اتهام زشت به او نسبت داده شده است را بخود نگیرید. خیلی بهتان بر خورد؟ خودتان منابع مالی تان را منتشر کنید. قصد ما رو کردن پرونده مالی کسی نیست. قصد اعلام دلیل سکوت این سازمان های باصطلاح حقوق بشر و طرفدار آزادی است.

در پاسخ به نقد هما ارجمند به کنفرانس سکولاریست ها در دسامبر ۲۰۲۳ در پاریس که توسط اکس مسلم سازمان یافته بود، مریم نمازی خود را به کوچه علی چپ زده است. هما این کنفرانس را نقد کرده است زیرا تحت عنوان سکولاریسم فقط اسلام را نقد کرده است. به مذهب یهود اشاره هم نکرده است. دو ماه پس از نسل کشی در غزه توسط یک دولت یهودی، به این

دولت یهودی اشاره هم نشده است؛ حتی با مردم غزه اعلام همبستگی نکرده است؛ حتی یک دقیقه سکوت اعلام نشده است. سکوت مطلق. دیدی؟ ندیدی. مریم نمازی به هیچیک از این نکات مورد نقد اشاره نکرده است بر منبر رفته که اینها کنفرانس های سالانه است و یک سال سازماندهی طول می کشد و قس علیهذا.

بعد از این توضیحات بی ربط و کسالت آور، از هما می پرسد آیا شما همین نقد را به پراید هم برای برگزاری سالیانه مارش شان داری؟ یا به پناهندگان برای سازماندهی روز جهانی پناهندگان! بر شما چه می گذرد؟ اینها چه ربطی به نقد هما به کنفرانس سکولاریست ها دارد؟ بعلاوه، باید متذکر شویم که در مغایرت با سکولاریست ها، پراید در تظاهرات هایش علیه نسل کشی شعار و پلاکارد داشته است.

هما ارجمند در نقد اکس مسلم تعدادی از آنتیست های سرشناس، از جمله ریچارد دوکینز را برای دفاع از مسیحیت نقد کرده بود. مریم با نقد از هما می پرسد، چرا مواضع ریچارد دوکینز را به حساب اکس مسلم می گذارد. اولاً، هما چنین کاری نکرده است، بلکه ریاکاری دوکینز و برخی دیگر از آنتیست ها و سکولاریست های سرشناس را افشاء کرده و از اکس مسلم پرسیده چرا در برابر این ریاکاری ها، معیار های دوگانه و بی پرنسیپی سکوت کرده اند؛ بویژه که ریچارد دوکینز حامی رسمی مالی و معنوی اکس مسلم است. ثانیاً، هما نام تعدادی از نهاد ها و شخصیت های سرشناس سکولاریست و آنتیست را که شما با آنها در مورد نسل کشی غزه و قتل عام اسرائیل هم نظرید مانند یک طیف در کنار هم گذاشته تا کراهت موضع ضد انسانی و اولترا راست تان را نشان دهد.

در پایان باید در کمال تاسف اعلام کنیم که این نوشته یک نمونه برجسته از عجز و ناتوانی در تحلیل، کاربست منطق و استدلال و احترام به فاکت و حقیقت است. یک سند تبلیغ سیاسی است. آشکار است که عمیقا تحت فشار قرار گرفته اند. باید واکنش نشان دهند. سکوت جایز نیست. رهبران شان هم زنگ خطر را کشیده اند. در چنین شرایط استیصالی انتظار محصول بهتری از این نمی توان داشت. هم این نوشته و هم ویدیوی مینا احدی در نقد آذر ماجدی دو سند عجز و استیصال، مملو از دروغ و اتهام و برای مشوب کردن اوضاع است.

تا هنوز فرصت باقیست بخود آید!

\*خوب است یادآور شویم که اولین بار آذر ماجدی در سال ۲۰۰۶ یکی از سکولاریست ها و آنتیست های سرشناس، اوریانا فالاجی را بخاطر نظرات مسلمان ستیزش با استدلالات مشابه ای در یک نامه سرگشاده با عنوان "آنتی اسلامیم، راسیسم را توجیه نمی کند" نقد کرده است. این نامه در نشریه شماره ۲ تریبون انگلیسی بچاپ رسیده است. بزودی برای اطلاع خوانندگان ترجمه فارسی آنرا منتشر خواهیم کرد.



## درباره آزادی بیان مصاحبه با رادیو شراره‌ها استکهلم

منتخب آثار منصور حکمت، ضمیمه شماره ۲ - آوریل ۲۰۰۷

"یا برای مثال اگر فاشیست‌ها بخواهند در گتوی یهودیهای یک جایی یا در گتوی مسلمان‌های یک جایی نمایش بگذارند و خارجی‌ستیزی‌شان را نشان بدهند، معلوم است که مردم جمع میشوند، هو میکنند، سر و صدا میکنند و نمیگذارند این‌ها حرفشان را بزنند. این نقض آزادی بیان آن فاشیست نیست، این بروز آزادی بیان قربانی فاشیسم است که آنجا پا شده و مانع تکرار آن حرف‌ها شود. آزادی بیان مقوله‌ای است در رابطه‌ی قدرت با کسانی که تحت آن قدرت زندگی میکنند، در رابطه‌ی دولت با شهروندان، در رابطه‌ی حاکمیت و کسانی که تحت آن حاکمیت زندگی میکنند؛ نه یک رابطه‌ی عرضی بین دو شهروند. این اصلاً به مقوله آزادی بیان مربوط نمیشود. این به لوطی‌گری، ادب، تحمل، تولرانس و این چیزها مربوط میشود ولی به مقوله آزادی بیان و تعریف حقوقی آزادی بیان که یک عمر مردم به خاطرش مبارزه کردند مربوط نمیشود. سر و صدا کردن یک همسایه برای اینکه همسایه بغل دستیش را ساکت کند، ربطی به مقوله آزادی بیان ندارد."

### دنیا پس از ۱۱ سپتامبر بخش دوم: "جهان متمدن" کجاست

منصور حکمت:

"فهمیدن اینکه اکثریت مردم خاورمیانه، از اسلام سیاسی متنفرند، فهمیدن اینکه بخش بسیار وسیعی از مردم اروپای غربی و آمریکا از دست اجحافات دولت اسرائیل به تنگ آمده‌اند و با مردم محروم فلسطین سمپاتی حس می‌کنند، فهمیدن اینکه اکثریت این مردم خواهان لغو تحریم اقتصادی عراقند و قادرند خود را جای پدر و مادرهای دلسوخته عراقی بگذارند که کودکانشان را بیدارویی به کام مرگ میبرد، فهمیدن اینکه این توده وسیع مردم باسرف و باوجدان جهان در جنگ بوش و بن‌لادن، دوستان قدیمی و رقبای امروزی، با هیچیک نیستند، هوش زیادی نمیخواهد. این بشریت متمدن زیر آوار پروپاگاندا و مغزشویی و ارباب در غرب و شرق به سکوت کشیده شده، اما بروشنی میشود دید که این مزخرفات را نپذیرفته است. این یک نیروی عظیم است. میتواند به میدان بیاید. بخاطر آینده بشریت، باید به میدان بیاید."

## مصاحبه تلویزیون آزادی زن با آذر ماجدی و جلیل بهروزی

مصاحبه کریم نوری از تلویزیون آزادی زن با آذر ماجدی و جلیل بهروزی درباره آزادی جولین آسانژ،  
مضحکه انتخابات در ایران، و سفر نتانیاهو به آمریکا



ویدیو را می‌توانید در این سایت ببینید.

<https://youtu.be/YzMS-6qU68M>

info@azadizan.org آزادی زن - برنامه ای از سازمان آزادی زن ، آزادی زن معیار آزادی جامعه است. برای تماس با ما

آزادی جولین آسانژ، مضحکه انتخابات و سفر نتانیاهو به آمریکا

# یا در کنار عدالت می ایستیم یا نسل کشی؟ تاریخ قضاوت خواهد کرد!

لحظاتی در تاریخ هستند که عمل و کلام انسان دورانساز می شود و سکوت آنچنان گوشخراش که قلب و ذهن را به درد می آورد. اکنون در چنین لحظه ای قرار داریم. تمام انسان دوستان، آزادیخواهان، کسانی که به اخلاقیات انسانی پایبندند علیه نسل کشی در غزه صریح و رسا سخن گفته اند و اسرائیل و متحدین غربی آنرا صریحا محکوم کرده اند؛ اما جنبش سکولار در غرب در بهترین حالت هیچ نگفته و در بدترین حالت فقط از جان اسرائیلی ها دفاع کرده است.

اگر در سالهای ۱۹۳۰ انسان می توانست ادعا کند که از نسل کشی بی اطلاع بوده است، امروز چنین عذری پذیرفته نیست. برای اولین بار در تاریخ، بشریت دارد یک نسل کشی را بطور زنده بر روی صفحه تلفن تماشا می کند. هیچ توجیهی برای سکوت و بی عملی وجود ندارد.

چگونه کسی که مدعیست از "یک دنیای آزادتر و منصفانه تر" دفاع می کند و معتقد است "سکولاریسم یک اصل حیاتی برای تامین آزادی و حفظ حقوق بشر و یک جامعه باز و منصف است"، می تواند قتل عام کودکان را ببیند و هیچ نگوید. این ریاکاری مُسَلَّم است! آنچنان نیز و زمخت است که هر نوع حجاب مدنیت، انصاف، انسانیت و خرد را می درد.

چگونه کسی که به انصاف، انساندوستی و خرد خود مفتخر است می تواند سکوت اختیار کند؟ در برابر ویرانی یک جامعه، با خاک یکسان شدن بیمارستان ها و ترک نوزادان زودرس در اینکیوبیتر زیر بمب، و در برابر ویرانی 350 مدرسه و 4 دانشگاه سکوت مطلق اختیار کند؟ سی هزار نفر زیر بمباران و تحت گرسنگی و بی آبی قتل عام شده اند که ده هزار نفر آن کودک اند؛ شرمناک است! با اینکار به پای خود تیر می زنید. هر نوع اعتباری را از دست داده اید.

چگونه می توانید مدعی سکولاریسم منسجم باشید و فقط یک مذهب را مورد نقد و حمله قرار دهید و به دیگری حتی یک کلام ناخوشایند نگویید؟ یک جنبش مذهبی و یک دولت را محکوم کنید و دیگری را به حال خود رها کنید؟ انصافی که به آن مفتخرید چه شد؟ روشن است به چه افقی متعهدید.

در دو دهه اخیر صدها صفحه در نقد اسلام نوشته و صدها سخنرانی ایراد شده است؛ جنبش های اسلامی و تروریسم اسلامی بارها و بارها محکوم شده است، دولت های اسلامی به همین منوال. این قطعاً مثبت است. اما حتی یک نقد ناچیز از مذهب یهود یا دولت یهودی اسرائیل بگوش نرسیده است. دولت یهودی اسرائیل فلسطینی ها را با کلام و سمبل های تورات قتل عام می کند و شما هیچ نمی گوید.

این نقض اصولیت و عین ریاکاری است. پرده ها از روی روایت ساختگی و هدف سیاسی – ایدئولوژیک پشت این روایت دریده شده است. نسل کشی در غزه تمام این جنبش ها و نهاد هایی که ماسک انسانیت و ارزش های پیشرو بر صورت داشتند را بعنوان مُتَقَلَّب افشاء کرد و نشان داد که آنها صرفاً از تروریسم دولتی به رهبری آمریکا تبعیت می کنند، که بمدت بیش از دو دهه میلیون ها نفر را در خاورمیانه قتل عام کرده، میلیون ها نفر دیگر را مجروح و معلول ساخته و میلیون ها نفر را آواره کرده است. بعلاوه، یادمان نرود که تمام این هیولاهای اسلامی که منطقه را می درند، دست ساز آمریکا و غرب اند: از جمهوری اسلامی تا مجاهدین، طالبان، القاعده، حماس و داعش.

اگر بعنوان یک سکولاریست به اصل انسجام و انصاف تعهد داریم، نمی توانیم فقط به یک مذهب و جنبش مذهبی، تند و با حرارت حمله کنیم و دیگری را در سکوت و آرامش رها نماییم. انسان نیازمند است که کمی به عقب برود و به تصویر بزرگ بنگرد تا عمق و کارکرد این روایت دروغین را در ویرانی خاورمیانه در قرن 21 دریابد. انسان های به خاک و خون در غلطیده، خانه ها و شهرهای به تلی از خاک بدل شده بما چشم دوخته اند.

آذر ماجدی - سازمان آزادی زن

هما ارجمند - هماهنگ کننده کمپین بین المللی یک نظام آموزشی سکولار و هماهنگ کننده کمپین بین المللی دادگاه شریعه در کانادا

هلاله طاهری - رئیس بنیاد زن و جامعه

## گزارش "کمپین جنبش حق زن علیه نسل کشی در دفاع از مردم فلسطین"

این کمپین بدنبال برگزاری "کنفرانس نسل کشی در غزه و جنبش حق زن کجا ایستاده است؟" ایجاد شد. کنفرانس در تاریخ ۲۳ مارس به صورت آنلاین با شرکت ۱۲ فعال حقوق زن از کشورهای سوریه، لبنان، ایران، الجزایر، فلسطین- کرانه باختری، سوئد، قفقاز، کانادا، و فرانسه برگزار شد که اسامی آنان به ترتیب اولین آکارد، پروفیسور دانشگاه آمریکا، بنیانگذار پناهگاه مادران و کودکان بی پناه، ساکن لبنان، هما ارجمند هماهنگ کننده کمپین جهانی برای یک سیستم آموزشی سکولار از ایران، ساکن کانادا، شفیا اوتربا فمینیست لائیک - دبیر کل اینسرم، ساکن فرانسه، سواد بابا ایسا فمینیست لائیک از فرانسه، اویشا بختی فعال حقوق زنان از الجزایر، هلاله طاهری مدیر اجرایی بنیاد زن و جامعه از ایران ساکن انگلیس، دالالا عبدال کانی نویسنده فلسطینی ساکن سوئد، بوتینا کاتان خوری فیلمساز فلسطینی ساکن ساحل غربی، کتو کورتس خالیس مسئول انستیتو فمینیست قفقاز، آذر ماجدی مسئول سازمان آزادی زن از ایران، ماریا هاگبری نویسنده و فعال حقوق زن - سوئد» \*

در زیر گزارشی که بونینا، یکی از فعالین فلسطینی کمپین بر ایمان فرستاده است را میخوانید.

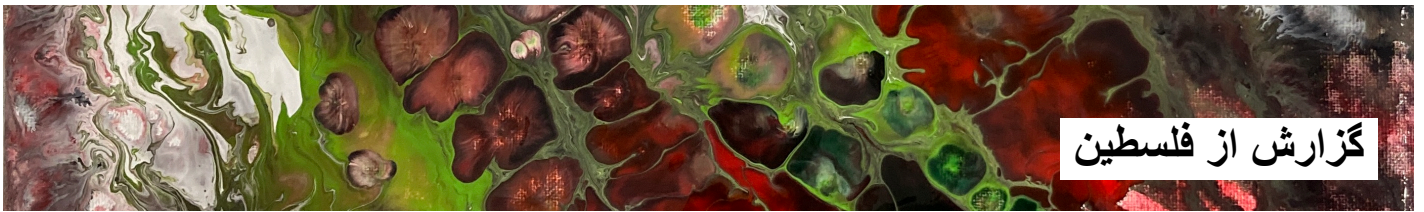
با درود به دوستان و رفقا

من بوتینا یکی از فعالین کمپین از کرانه باختری فلسطین هستم. من به 31 خانواده درنوار غزه با نیازهای مختلف کمک میکنم. تا کنون با دشواری بسیار همراه با فعالین دیگر توانسته ایم موادی از قبیل آرد، حبوبات خشک، لباس، شیر خشک، لوازم بهداشتی و دارو به آنان برسانیم.

ما در ابتدا با یک مادر به اسم "ماسیا" که ۲ فرزند دارد و بچه هایش به پوشک و شیر نیاز داشتند شروع کردیم، اما چیزی نگذشت که به "سام" پدری با 4 فرزند معرفی شدیم. دختر بیمارش نیاز مبرم به دارو داشت و امکان تهیه آن در غزه نبود. سپس خانواده سوم به این لیست اضافه شد، که پدر بزرگی به اسم "ماهیر". او اکنون سر پرست پنج نوه هایش است. پسر و همسر پسرش را در دو بمب باران از دست داده و نتوانسته خوراک و لباس برای نوه هایش تهیه کند. نوه بازمانده پنج ماهه نیاز مبرم به شیر خشک و پوشک و دارو دارد. سپس خانواده چهارم بما معرفی شد. مرد جوان ۳۰ ساله ای است بنام "عمر" که از مادر ۶۸ ساله و خواهرش پرستاری میکند. آنان خانه خود را در اثر بمباران از دست داده و مجبور به فرار به جنوب شدند. آنان نیاز به چادر برای خواب دارند و وسایل اولیه زندگی مثل ظرف پلاستیکی برای آب خوردن. به این جمع خانواده پنجم که ساکن یکی از ۲ کلیسا فیلیپ هستند که در حال فرار از سربازان، مادرش به زمین میخورد و لگنش شکسته میشود. اکنون زمین گیر است با درد بسیار ولی برای خارج کردنش از این محل به بیمارستان برای معالجه نیاز مبرم به پول است. وقتی قیمت آرد برای هر کیسه ۲۰ کیلویی به ۱۲۰۰ دلار رسید چطور میشود نان را از چندین خانواده حذف کرد تا هزینه یک بیمار را که ۵۰۰۰ یور میشود داد؟

مراجعه خانواده هاس نیازمند به ما هر روز بیشتر و بیشتر میشود. اما امکانات ما بسیار محدود است. از کدام خانواده بگویم از زن جوان حامله ای که در حال فرار از شهر رفح نوزادش را بدنیا آورد و او را در لباس خونی و گل آوردش پیچید و یا از سه کودکی که بدون سرپرست گرسنه و تشنه، خسته و پریشان که با کمک دکتر احمد از شمال غزه به ما پناه آورده اند؟ بهتر است گزارش خود را بتو همای عزیز با شرح حال دکتر احمد به پایان برسانم. او در تمام مدت نسل کشی در یکی از بیمارستان های شمال به طور رایگان کار کرده و نتوانسته، سه فرزندش را در این مدت ببیند. او نتوانسته برای آنان غذا تهیه کند. او حدودا میداند که چند بار فرزندانش همراه با همسرش از محلی به محل دیگر گریخته اند. حتی یک دکتر دیگر نمی تواند کمکی برای فرزندانش باشد. او می گوید که کل شمال غزه در قحطی کامل است.

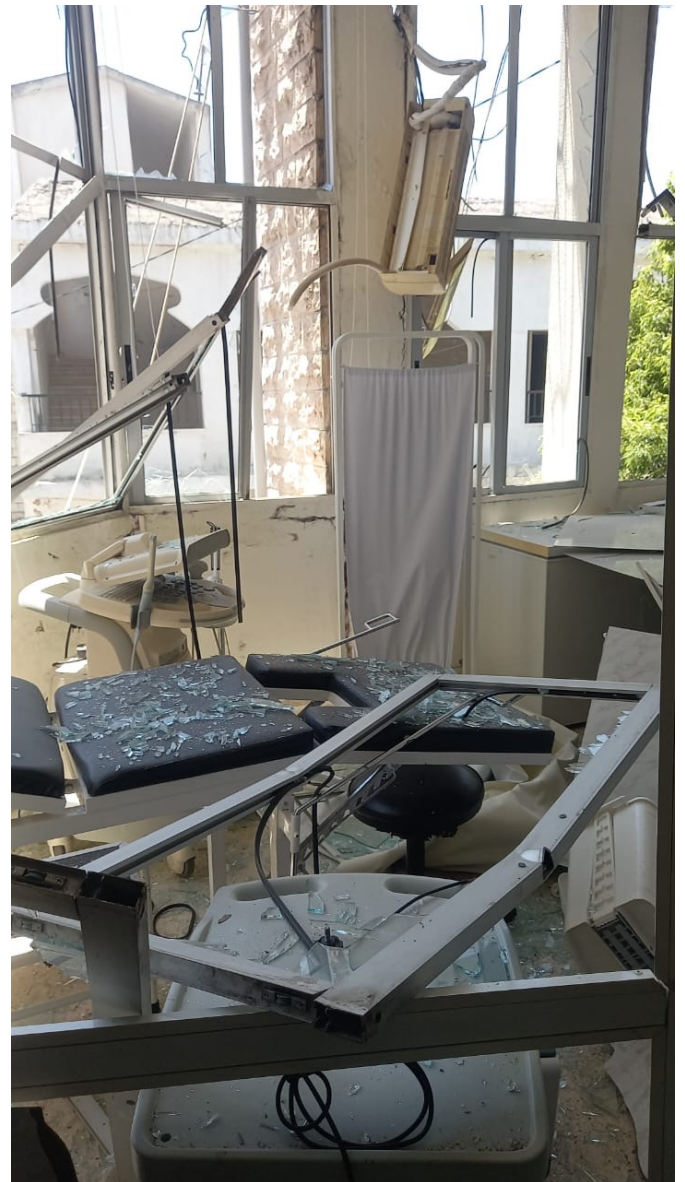
هر گونه کمک مالی هر چقدر هم که کم باشد بهتر از هیچ است.



## گزارش بمباران مؤسسه بهداشتی در لبنان

گزارشی از طرف یکی از فعالین کمپین در لبنان:

همای عزیز پیامی را برای شما ارسال میکنم که به تازگی از دوست انسان دوست برجسته مان دکتر کامل موهانا، رئیس و مدیر انجمن بین المللی Amel، هماهنگ کننده کل، Réseau des ONG libanaises et arabes دریافت کردم. او مسئول دو مؤسسه بهداشتی در جنوب لبنان بوده ولی متأسفانه این دو مؤسسه توسط اسرائیل شناسایی شده اند و مورد اثابت بمب قرار گرفتند. عکسها همراه با گزارش بر ایمان فرستاده شده است.



# لیست امضا کنندگان بیانیه "کنفرانس نسل کشی در غزه، جنبش آزادی زن کجا می ایستد؟"

کنفرانس آنلاین در روز ۲۵ مارس ۲۰۲۴ با شرکت تعدادی از فعالین جنبش آزادی زن از اروپا و خاورمیانه برگزار شد.

برای اطلاعات بیشتر به این لینک رجوع کنید: [--youtu.be/siTLEc570dg?si=U8lfjTgEeMYC5wZH](https://youtu.be/siTLEc570dg?si=U8lfjTgEeMYC5wZH)

## امضا کنندگان تا تاریخ ۲۸ ژوئن

امال خریشه، رئیس انجمن زنان شاغل فلسطین برای توسعه  
[www.weeportal-lb.org](http://www.weeportal-lb.org)

تومادور میهوین، رئیس سازمان زنان عرب - هلندی متولد سوریه

کشیفا احمد، رئیس انجمن مساکن آفریقای جنوبی در کیپ تاون  
[housingassembly.wordpress.com/about](http://housingassembly.wordpress.com/about)

سوزن داوو، خبرنگار، متخصص امور محیط زیست و زنان، مترجم از  
لبنان  
[www.jinhaagency.com](http://www.jinhaagency.com)

کمپین برای باز کردن مرزها بروی زنان فراری از افغانستان آزاد  
[www.nosharia.ca](http://www.nosharia.ca)

ماریا سوکی اس، فعال «بنیاد زن و جامعه - انگلستان»

گولین مارکو، تراستی «بنیاد زن و جامعه - انگلستان»  
[www.mewso.org/trustee-bio-guilene](http://www.mewso.org/trustee-bio-guilene)

هاله طاهری، رئیس «بنیاد زن و جامعه - انگلستان»  
[www.mewso.org](http://www.mewso.org)

لبنان لبنان، سازمان کمک به قربانیان خشونت خانگی، از دواج اجباری،  
ختنه زنان و قتل های ناموسی.

دبی هامفری، محقق در دانشگاه آکسفورد، بریتانیا

لینت بناو اد-شریف، فعال سازمان حقوق زنان الجزایر، از الجزایر

کمپین بین المللی برای بسته شدن سفارتخانه های ایران  
[www.facebook.com/groups/2529762493920085](http://www.facebook.com/groups/2529762493920085)

ماجد التاونا، نویسنده و فعال فلسطینی از غزه. از آرشیو فیلمهای فلسطینیان  
مبارز  
[youtu.be/Zhv9nyn7Dxc?si=NEDcGkfWdqx455eu](https://youtu.be/Zhv9nyn7Dxc?si=NEDcGkfWdqx455eu)

بوتینا کن خوری، فیلمساز آزاد فلسطینی. مؤسس شرکت فیلمسازی «مجد  
در رامالا»  
[www.womeninstruggle.net](http://www.womeninstruggle.net)  
[www.majdproduction.com](http://www.majdproduction.com)

کمپین بین المللی برای یک سیستم آموزشی سکولار  
[www.facebook.com/groups/1774089539581042/](http://www.facebook.com/groups/1774089539581042/)

خدیجه آرفوری، فعال حقوق زنان، پروفیسور از وزات آموزش عالی در  
تونس، محقق فمینیست در امور زنان

[projects.iq.harvard.edu/files/violenceagainstwomen/files/  
women\\_on\\_the\\_move\\_-\\_maghreb.pdf](https://projects.iq.harvard.edu/files/violenceagainstwomen/files/women_on_the_move_-_maghreb.pdf)

غادا زیدان، کارشناس جنسیت و توسعه و مدافع حقوق فلسطینی ها در  
بریتانیا

[thehagueacademy.com/associate-experts](http://thehagueacademy.com/associate-experts)

زهره بلگیتی، نویسنده آزاد، شاعر، فعال حقوق بشر و حقوق زنان، یک  
سازمان دهنده اجتماعی و داوطلب با زنان فلسطینی از بلژیک و  
لوکز امبورگ

سازمان آزادی زن، ایران

[www.azadizan.org](http://www.azadizan.org)

کنفدراسین مرکز اتحادیه های صنفی در ایتالیا (سی  
کوباس)  
[www.cobas.it](http://www.cobas.it)

روبرتولوتزی از اتحادیه سی کوباس

رادیوی آزادی زن در سیدنی، استرالیا

[www.triplefm.com.au/shows/radio-avaye-zan-2/](http://www.triplefm.com.au/shows/radio-avaye-zan-2/)

ایرمنگارد امل حنز، محقق و نویسنده آزاد از دره آناهواک (مکزیکو سیتی)  
[vcfa.edu/visiting-faculty/irmgard-emma-hainz/](http://vcfa.edu/visiting-faculty/irmgard-emma-hainz/)

سازمان اپل-اگالیه، یک انجمن فمینیستی در فرانسه

[www.helloasso.com/associations/apel-egalite](http://www.helloasso.com/associations/apel-egalite)

اولین آکاد، پروفیسور آمریکایی- لبنانی، بازنشسته در ادبیات تطبیقی  
فرانسه در دانشگاه ایلینویز

[en.wikipedia.org/wiki/Evelyne\\_Accad](http://en.wikipedia.org/wiki/Evelyne_Accad)

[archon.library.illinois.edu/archives/index.php?p=creators/  
creator&id=2955](http://archon.library.illinois.edu/archives/index.php?p=creators/creator&id=2955)

دکتر گریس خوری، استاد مدیریت در دانشگاه برزیت - کرانه

غربی - فلسطین، نویسنده و ویراستار کتاب و مقالات مجلات، عضو  
هیات تحریریه ژورنال یادگیری سازماندهی بنام امرالد  
<https://independent.academia.edu/GraceKhoury>  
[http://www.birzeit.edu/  
Challenging-Conditions/Muna-Khoury/p/book/  
9781409454960](http://www.birzeit.edu/Challenging-Conditions/Muna-Khoury/p/book/9781409454960)

رامی زاهی خوری، مسئول ترویج کارآفرینی و همچنین علوم

اجتماعی و بشریت در دانشگاه برزیت در کرانه غربی

[www.birzeit.edu/en/news/new-chairs-promoting-  
entrepreneurship-well-social-sciences-and-humanities-  
introduced-birzeit](http://www.birzeit.edu/en/news/new-chairs-promoting-entrepreneurship-well-social-sciences-and-humanities-introduced-birzeit)

دکتر تمدور حسون می حوزین، بنیانگذار و رئیس انجمن زنان هلندی  
عرب. این انجمن یک سازمان حقوق بشری است که در سال ۲۰۰۲  
تأسیس شد. استاد، محقق در زمینه حقوق زنان و کودکان و سردبیر مجله  
زنان (حاجس). متولد سوریه از هلند.

[www.weeportal-lb.org/websites/arab-dutch-womens-  
circle](http://www.weeportal-lb.org/websites/arab-dutch-womens-circle)

شریفا خدر، رئیس انجمن خانواده قربانیان تروریسم

جلیل بهروزی، فعال کارگری و عضو فعال "کمپین باز کردن مرزها  
برای زنان و کودکان افغان که از طالبان فرار میکنند" از تورنتو - ایران

سوزن میلی، وکیل بین المللی و کار، اردن - نیویورک

اشرف باهیر، فعال سکولار در آلمان، از افغانستان

نیکول سرپرنت، فعال حقوق زنان

[www.facebook.com/nicole.surprenant.984](http://www.facebook.com/nicole.surprenant.984)

سیاوش دانشور، فعال جنبش سوسیالیستی، سوئد - ایران

دوردانه بیژ، فعال حقوق زنان، تورنتو - ایران

هایده درآگاهی، فعال حقوق زنان، نماینده سابق شبکه زنان، استاد

پیشین ادبیات انگلیسی و مریلند از سوئد

[www.cbc.ca/player/play/1.5049498](http://www.cbc.ca/player/play/1.5049498)

موها نقرسی، فعال حقوق زنان مراکش

امان زانن، از سازمان زنان و جامعه در لندن، بریتانیا

مهین علیپور، عضو فعال کمپین بین المللی علیه دادگاه شریعه در

کانادا و کمپین علیه اعدام، سوئد

[www.facebook.com/mahin.alipour.7/](http://www.facebook.com/mahin.alipour.7/)

شیوا محبوبی، روانشناس (روان درمانگر)، فعال حقوق زنان،  
بریتانیا - ایران

سوسن لاری، عضو سازمان آزادی زن، ایران و سوئد

جنین سینو جنودی، فعال سیاسی برای آزادی فلسطین

یاسمین رحمن، فمینیست و فعال حقوق بشر

میترا محبوبی، فعال سیاسی، فمینیست، مجری برنامه رادیو آزادی

زن در سیدنی، استرالیا

ریما نزال، فعال حقوق زنان، راملا - فلسطین

میلاذ رابعی، کادر حزب کمونیست کارگری ایران، گوتنبرگ، سوئد

افشین مرادی، فعال سیاسی، کانادا - ایران

سامان آراس-کنسر، شهروند جهانی - در برابر هر جنایتی از هر

نوع، توسط هر کسی، گروه، دولت به هر دلیلی - سوئد - ایران

مریم چرتی، فعال حقوق زنان، لندن بریتانیا

اوایشا بختی، الجزیره

پروین کابلی، سوسیالیست و فعال حقوق زنان، سوئد - ایران

فاطمه کاظم، فعال سیاسی فلسطینی در آمریکا

کتو کورتس خالیس، انستیتوی فمینیست قفقاز

ایسلا جاد، فعال ساسی از راملا فلسطین

ماریا هاگبری، نویسنده و فعال حقوق زن، سوئد

سارا رضوانفر، فعال زنان

دلاور منظیر، فعال سیاسی در ملبورن استرالیا. کردستان-عراق

عمر کریمی، فعال ساسی، کانادا - سنندج

پروین اشرفی، سوسیالیست، فعال جنبش زنان در تورنتو کانادا

ملکه ایزدی آرنتی، فعال حقوق زنان در نروژ از سانا

صفا سعید، نویسنده و مترجم از تورنتو کانادا

بابک آزاد، فعال کارگری، کانادا - ایران

محمد صفوی، فعال کارگری از ونکوور کانادا

حسن پویا، فعال اجتماعی، تورنتو - کانادا

کوشا شایان، فعال کمونیست کارگری از تورنتو کانادا

امال تریش، مدیر کل جامعه زنان کارگر فلسطین برای توسعه از  
اردن - مصر

ستار رحمانی، فعال کارگری لندن - ایران

[www.youtube.com/watch?v=aZnFkDgN9zU](http://www.youtube.com/watch?v=aZnFkDgN9zU)

آرش کمانگر، فعال سیاسی و میدیا، تورنتو - کانادا

دالالا عبدال کانی، نویسنده، فلسطین - سوئد

یاور اعتمادی، فعال سیاسی و میدیا، نروژ

مرتضی افشاری، فعال کارگری از ونکوور کانادا

غفار غلام ویسی، فعال سیاسی، ایران

محمد صفوی، فعال کارگری، ونکوور، کانادا، ایران

تیبه، فعال سیاسی از فلسطین

کاملیا اوده، فعال سیاسی، آمریکا - فلسطین

سعید آرمان، فعال سوسیالیست، بریتانیا - ایران

آناهیتا رحمانی، فعال سیاسی، زندانی سیاسی سابق، ایران -  
کانادا

سعید یگانه، فعال سوسیالیست، بریتانیا - ایران

ملکه عزتی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ناصر مرادی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

جلال محمودزاده، عضو حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، آلمان

ساکار احمدیان، فعال سیاسی، ایران

فخری جواهری، فعال کارگری و زنان در تورنتو - کانادا - ایران

رحمان حسین زاده، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سوئد

زری اصلی، فعال سیاسی و حقوق زنان در کانادا، ایران

هاشم سعیدی، فعال سیاسی از ونکوور - کانادا

مونا موساعلم اندراؤوس، فعال سیاسی لبنانی در پاریس - فرانسه

خدیجه هبشنه، فعال حقوق زنان از لبنان

آمینه ماما، فعال حقوق زنان

صالح سرداری، فعال سیاسی

سارا رضوانفر، فعال سیاسی از ایران

ووریا روشنفکر، فعال سیاسی از سنندج در سوئد

قادا ال یافی، دکتر متخصص هماتولوژی بالینی و زیست شناسی در بیروت-لبنان

فریبا کرد، عضو شورای کلن در همبستگی با مبارزه مردم در ایران

احمد عباس نژاد، فعال سوسیالیست در نروژ

هاین هتت کیاو، سخنگوی بی خدایان برمه  
www.burmesetheists.org



Riprendiamo dalla [pagina facebook](#) del Comitato 23 settembre

COMUNICATO DELLA CONFERENZA DELLE ATTIVISTE PER I DIRITTI DELLE DONNE

[www.pungolorosso.com](http://www.pungolorosso.com)

## همبستگی کارگران ایتالیا با مردم غزه

بیانیه "کمپین جنبش حق زن علیه نسل کشی در دفاع از مردم فلسطین" مورد حمایت اتحادیه کوباس در ایتالیا و سازمان وابسته به آن قرار گرفته و در وبلاگ این سازمان بنام "کمیته ۲۳ سپتامبر" (سازمان فمینیستی PUNGOLOROSSO) در ایتالیا چاپ شد.

## "کنفدراسیون کمیته های پایه" اتحادیه کارگری در ایتالیا (سی کوباس S.I COBAS)

اتحادیه سی کوباس از حامیان "کمیته جنبش حق زن علیه نسل کشی در دفاع از مردم فلسطین" گزارش پیکت اعتراضی خود برای جلوگیری از حمل و نقل سلاح به اسرائیل، را برای ما فرستاده که در زیر میخوانید.



کارگران اتحادیه سی کوباس (S.I. COBAS) ایتالیا با سازمان دادن پیکت در بندر "جنوا" از بارگیری سلاح های نظامی به کشتی هایی که قرار بود از بنادر ایتالیا به اسرائیل بروند، خودداری کردند

**در بندر جنوا علیه تسلیح مجدد و نسل کشی!  
بندر فلج، راه بندان، خسارت و تأخیر عظیم برای مالکان کشتی و مسنولین بندر!  
روز مبارزه ای که راه را برای اعتراض طبقاتی علیه تسلیح و اقتصاد جنگ نشان می دهد!**

دیروز، سه شنبه ۲۵ ژوئن، دروازه های بندری سان بنینو، آلبرتازی، اتیوپی و لونگوماره کانپا در شهر جنوا، مهم ترین بندر ایتالیا، به طور همزمان برای تقریباً ۱۰ ساعت با صف های بی پایان کامیون ها مسدود شد، در حالی که صدها نفر به سمت ترمینال مسینا حرکت کردند و ترافیکی که از قبل مسدود شده بود را متراکم تر کردند و به مصصمانه به راهپیمایی خود ادامه دادند. این مسیر توسط کامیون های پلیس ضد شورش مسدود شده بود ولی علیرغم آن، تظاهر کنندگان موفق شدند از مناطق سامپیردارنا و کورنیلیمانو عبور کنند، کل منطقه را به فلج بکشاند و تمام خشم موجه خود را در مقابل دفتر سازنده اصلی اسلحه ایتالیایی ابراز کنند.

این ابتکار موفق شد صدمات واقعی به کارفرمایان که مستقیماً مسئول حمایت از دستگاه نسل کشی اسرائیل بودند، به صاحبان کشتی هایی که ابزار مرگ را بین جنوا و بندر حیفا و اشدود حمل می کنند، و به صاحبان بنادر که خواستار و مدافع مداخله نظامی ایتالیا در دریای سرخ هستند، وارد کند. شرکت کنندگان شامل انجمن جوانان فلسطین، جوامع عرب و فلسطین، کارگران بارانداز، دانشجویانی که در هفته های اخیر اردوگاه ها و اشغال دانشگاه ها را سازمان دادند، و صدها نفر دیگر از فعالین ضد نظامی گری و ضد سرمایه داری، همچنین بسیاری از کارگران تدارکات سی کوباس بودند که دیروز ۲۵ ژوئن برای تمدید قرارداد ملی اعتصاب کرده بودند.

اماکن دیگر نیز در سرتاسر ایتالیا پیکت داشتند. کارگران در ناپل تظاهراتی در مقابل شورای شهر که تحت حفاظت پلیس قرار گرفته بود برگزار کردند در همبستگی با کارگران دیگری که چندین ماه است که بدون حقوق مانده اند. مهم این بود که یک نیروی قوی طبقه کارگر به حرکت اعتراضی در جنوا شرکت کرد و توانست مبارزه برای شرایط کار را به اعتراضات علیه جنگ امپریالیست ها از اوکراین گرفته تا خاور میانه پیوند دهد. این مهم است که کارگران اعتراض خود علیه حملات بی امان دولت "ملونی" به پروتاریا و بر دوام مبارزات اجتماعی ابراز کنند. هیئت های اتحادیه کوباس از شهرهای تورین، میلان، مودنا، بولونیا، رم و ناپل به جنوا آمدند. ۷ عضو جنبش ۷ نوامبر بیکاران نیز همراه هیئت ناپل آمدند.

وقتی می گویم "دشمن در خانه است" یا "جنگ از اینجا شروع می شود"، منظور این است که جنگ باید تخریب شود، یعنی اقدام عملی در حمله به سود روسای ایتالیا و مسدود کردن شبکه تولید و تدارکات در کشور مان. ابتکار موفق دیروز در جنوا قرار نیست در تاریخچه جنبش باقی بماند، بلکه باید به حرکت عملی نبرد و مبارزه سخت و مصمم تبدیل شود.

با سرعت تند، به جلو  
سی کوباس - ایتالیا



# "کنفدراسیون کار"

## از عشق به کارگر یا عشق به رهبری؟



آنرماجیدی

آنرماجیدی

دو هفته پیش ابتدا به ساکن یک سازمان بنام "کنفدراسیون کار ایران" در آلمان اعلام موجودیت کرد. عملی بسیار شگفت آور! جنبش کارگری در ایران، علیرغم سرکوب خشن رژیم اسلامی، قوی و رادیکال است. مبارزه برای حق تشکیل یکی از عرصه های مبارزاتی طبقه کارگر بوده است. جنبش مجمع عمومی و شورایی یک گرایش قوی درون جنبش کارگری است. صدای این جنبش از طریق جنبش چپ و کمونیست در خارج کشور منعکس می شود. باین ترتیب، نیاز نیست بر اهمیت شفافیت و علنیت پروسه تشکیل هر سازمان و تشکلی که حتی بشکل تلویحی ادعای نمایندگی طبقه کارگر ایران را دارد، تاکید کنیم.

ممکن است، گفته شود، این یک سازمان طرفدار کارگر است، مانند ده ها سازمان دیگر. این پاسخ حقیقت را بیان نمی کند. نامی که برای این سازمان انتخاب شده و نحوه تشکیل آن سخن از سناریوی دیگری دارد. "کنفدراسیون کار ایران- خارج کشور" یک نام دهان پر کن است. قصد جا زدن این سازمان بعنوان نماینده کارگران ایران در مجامع بین المللی و باین ترتیب نماینده و رهبر تراشی برای طبقه کارگر ایران است. قرار است همانگونه که هیاتی از اپوزیسیون دست راستی پارسال و مسیح علینژاد امسال در کنفرانس امنیتی مونیخ بعنوان نماینده ایران شرکت کردند، کنفدراسیون کار هم در آی ال او بعنوان نماینده ایران شرکت کند.

نحوه تشکیل و حامیان و تسهیل کنندگان این پروژه نیز بوی رژیم چنجی میدهد. جلسه تشکیل این سازمان در دفتر کنفدراسیون اتحادیه کارگری آلمان (دگ ب) برگزار شده است. از "خیریه فردریک ابرت" هم حمایت مالی گرفته اند. یک نگاه کوتاه به این دو نهاد نیت واقعی تشکیل این "کنفدراسیون" را روشن تر می کند.

دگ ب عملاً یک نهاد رسمی هیات حاکمه است؛ بخشی از سیستم حکومتی است. حمایت دگ ب از هر نهاد و جنبشی معنای سیاسی روشن دارد. لذا دگ ب سیاستی مغایر با سیاست رسمی حکومت اتخاذ نمی کند. دو نمونه از سیاست ها و مواضع این نهاد جهت گیری سیاسی آنرا روشن تر می سازد. یکی از نقد هایی که به دگ ب وارد شده است، برخورد دو گانه به کارگران آلمانی الاصل و کارگران مهاجر یا میهمان است. کارگران مهاجر عملاً بعنوان شهروندان درجه دوم در نظر گرفته می شوند. جنبش کارگری سنتا و تاریخا با اصل برابری تداعی می شود. برخورد دوگانه به کارگران در یک محیط کار هیچ ربطی به ترقیخواهی کارگری ندارد.

در رابطه با نسل کشی اسرائیل در غزه، دگ ب طی یک نامه به دبیر کنفدراسیون اتحادیه کارگری اسرائیل "همبستگی عمیق خود را با اسرائیل" اعلام کرده است و تظاهرات جهانی در محکومیت بمباران اسرائیل را محکوم و اعلام کرده است که "چند روز اخیر بروشنی نشان داد که آنتی سمیتیزم چقدر عمیق در جامعه جهانی نفوذ دارد. ما از خشونت که اجازه داده آنتی سمیتیزم، حتی در آلمان، دوباره فعال شود نگران و شوکه شده ایم." در پایان، از برخورد سریع دولت آلمان و ارائه حمایت های لازم به اسرائیل ابراز شادی شده است.

این ماهیت واقعی این اتحادیه است. این یک نهاد حکومتی است و کارش آرام کردن کارگران است. آیا کسی تردید دارد که از این نهاد آبی برای طبقه کارگر ایران گرم نمی شود؟ آیا شکی هست که اقدام دگ ب اقدامی در جهت آلترناتیو سازی و رهبر تراشی است؟

خیریه فردریک ابرت هم یک نهاد سیاسی دولتی است که در ۱۹۲۵ توسط دولت آلمان تشکیل شده است. کمک مالی این "خیریه" یعنی کمک مالی دولت آلمان.

### چرا یک کنفدراسیون کار لازم شده است؟

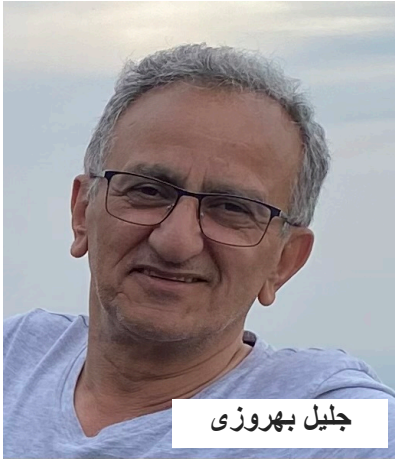
رادیکالیسم، چپ گرایی و خصلت انقلابی جنبش سال گذشته دولت های غربی و اپوزیسیون دست راستی را بهت زده کرد. تصور می کردند که قادر خواهند بود روایت دست راستی شان را بر این جنبش تحمیل کنند. بویژه آنکه جنبش آزادی زن از رهبران و فعالین اصلی این جنبش انقلابی بود و خواست های صریح ضد اسلامی بیان می کرد. دولت های غربی به سازمان های بسیاری که در رابطه با حقوق زن در خاورمیانه کار می کنند، کمک های مالی، سیاسی و فکری می دهند. از اینرو تاثیر گذاری بر جنبش اعتراضی توده ای را آسانتر فرض می کردند. اتاق فکر های سازمان سیا و نهاد های طراحی رژیم چنج تصور می کردند که با بکار گرفتن سلبریتی های ایوسنت لورانی و جملات دهان پر کن خواهند توانست رهبری دست راستی را بر این جنبش اعتراضی تحمیل کنند. مقتضاحانه شکست خوردند.

برای مدتی پروژه را به پشت پرده بردند. اکنون با گسترش جنگ و ویرانی در خاورمیانه، مساله آلترناتیو سازی فعالیت مطرح می شود. اعطای جایزه نوبل به نرگس محمدی، یک زن اصلاح طلب در زندان، اعطای جایزه به مسیح علینژاد در دسامبر و شرکت او در کنفرانس امنیتی مونیخ، دریافت نامه ای از یک زن زندانی چپ و اکنون تشکیل یک کنفدراسیون کار، تصویر کامل می شود. حالا باید منتظر شرایط شد. آیا این طرح هم ترشی انداخته خواهد شد یا فعال می شود؟ باید دید.

باید توجه داشت که آمریکا و غرب همواره طرح هایی را برای دخالت در سرنوشت سیاسی کشورهای منطقه تحت نفوذ خود در کشور دارند. وجود یک جنبش قوی سرنوشتی طلبانه در ایران و شرایط بحرانی و جنگی منطقه، ضرورت یک سناریو و طرح عملی را صد چندان می کند. تجربه سال گذشته به آنها نشان داده است که رمز موفقیت در جامعه ایران، زدن ادویه چپ و کارگری به آلترناتیو و روایت است. لذا از سلبریتی های مد روزی و پهلوی برای مدتی فاصله گرفتند و بجای آن به زنان زندانی جوایز حقوق بشر و شجاعت و غیره اعطاء کردند. برای چنین طرحی یک بازوی کارگری از واجبات است. کنفدراسیون کار ایران - خارج کشور ممکن است بتواند آن بازو باشد.

# کارگران هفت تپه و دشمنان جدید!

## اسکاندل کنفدراسیون کار ایران!



جلیل بهروزی

۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

بنظر میرسد محفل تازه تاسیس شده کنفدراسیون کار ایران- خارج از کشور، که بعید بنظر میرسد بدون حمایت بیدریغ بخشی از جریانات چپ لیبرال پوپولیست ایرانی در خارج حتی توان حمل تابلوی سر درش را داشته باشد، ظاهرا در تلاش است جبهه جدیدی بر علیه هفت تپه در خارج از کشور بگشاید و چه بهتر که تحت عنوان ضدیت با نمایش مضحکه انتخابات رژیم اسلامی و با علم کردن چند "کارگر فروش" هفت تپه ای که با طرفداری از یکی از کاندیداهای رژیم مبلغ شرکت در انتخابات بوده کل هفت تپه را زیر ضربات شلاق گرفته و کل مبارزه و رهبران آن را تخطه و "قلب انحراف" بخواند.

اینها پیش خود فکر کردند اگر فیل هواکردن "کنفدراسیون" شان، چندان تاثیر در فضای اپوزیسیون نداشت شاید حمله به خوشنام ترین و پیگیرترین بخش جنبش کارگری حداقل جریانات راست و سندیکالیستهای زرد را به خود جلب کنند و چه رقت آور! بقول رفیقی، با حفظ ادب، به این جماعت فقط باید گفت این غلط ها به شما نیامده است!! اما همانطور که تلاش خود گماری به نمایندگی از کارگران در ایران این جماعت در سر بزنگاه عقیم ماند این یک نیز سریعا دود خواهد شد. چرا که هنوز جوهرشان خشک نشده از طرف کارگران پیشرو و فعالین کارگری زیادی چه در ایران و چه در خارج از کشور محکوم و برسر جایشان نشانده شده اند. در این میان آن چیزی که میماند شرمساری برای کسانی است که مدعی حمایت از کارگر و جنبش کارگری اند و تا دیروز در دفاع از این جماعت آستین پاره میکردند.

اخیرا سخنگوی کنفدراسیون کار ایران، شجریاتی در خوش خدمتی به بخشی از اپوزیسیون خارج کشوری هفت تپه را به "قلب انحراف" ملقب کرد تا هر چه بیشتر مرز خود با رادیکالیسم و جنبش مجمع عمومی در صفوف کارگران را عمیق تر سازد.

به جرئت میتوان گفت هفت تپه ( منظور کارگران هفت تپه، منظور مبارزات و تاریخ آن و درجه تشکل یابی کارگران در آن و منظور سازماندهی از پایان کارگران در آن است ) تبلور و تجلی کامل جنبش کارگری در ایران در مبارزه برای حقوق پایه ای، حق تشکل و اعتصاب و به یک معنی عمومی تر نمایی کاملی از مبارزه کارگر برای صیانت و ادامه حیات و یک سنگر مستحکم و رادیکال بر علیه سرمایه داری و حاکمیت مذهبی و ارتجاعی آن بود و هست.

هفته تپه صرفا با کارفرما و مدیریت شرکت در جنگ نبود و نیست. هفت تپه تنها با حکومت و تمام دستگاه عریض و طویل ماشین سرکوب آن، از آژان، پاسدار و ملا و دادگاه و دستگاههای مخوف اطلاعات، زندان و ماشین تبلیغاتی و مدیای مزدور در جدال نبود. هفت تپه از درون نیز همواره مورد تهاجم افراد زرخرید کارفرما، به نرخ روز خور، اصلاح طلب و فرمیست و یا جاه طلب بود. هفت تپه به یمن رهبران اش رزمنده و پیگیر در همه این جبهه ها ضمن تقبل ضایعات سنگین جنگید و اگر غیر از این بود "هفت تپه" موقعیت کنونی را نداشت. موقعیتی که امروز کارگر و چپ جامعه در ایران از آن همچون معیاری برای سنجش از موفقیت، کم و کاست حرکت و مبارزه کارگری و درجه تشکل یابی آن استفاده میکنند.

[www.wrmagainstgenocide.com](http://www.wrmagainstgenocide.com)  
[tribune890@gmail.com](mailto:tribune890@gmail.com)

# جولین آسانژ آزاد شد!



بعد از پنج سال و دوماه حبس در امنیتی ترین زندان انگلستان، در یک سیاهچال قرون وسطایی، و هفت سال پناه گرفتن در سفارت اکوادور، جولین آسانژ ژورنالیست استرالیایی که جنایات آمریکا را در افغانستان، عراق، گوانتانامو و در خاورمیانه افشاء کرده است، آزاد شد.

طنز تاریخ آنجاست که جنایتکاران راست راست راه می روند و بر جهان حکم می رانند؛ نه تنها بخاطر جنایاتشان مجازات نشدند، جایزه هم گرفته اند. اما آنکه جنایات را افشاء کرد مورد تعقیب و اذیت و آزار و اسارت قرار گرفت. قصد داشتند در آمریکا 175 سال زندان برایش

ببرند. اما یک جنبش جهانی برای آزادی جولین آسانژ شکل گرفت. در پنج سال اخیر که آسانژ در زندان اسیر بوده است این جنبش بسیار وسیعتر و میلیتانت تر شده است. بالاخره در مقابل این جنبش، بویژه در شرایط خطیر کنونی و وجود یک جنبش عظیم علیه نسل کشی در غزه، آمریکا تصمیم گرفت که عقب بنشیند. یک معامله با او کردند. آسانژ جرم جاسوسی را پذیرفت و از آنجا که مجازات این جرم پنج سال است، آسانژ عملاً آزاد شد.

دنیای کثیف و وارونه ای است. افشاء کننده جنایت بجای جانی به زندان می رود. نقش جولین آسانژ و ویکی لیکس در افشای جنایات آمریکا و غرب در خاورمیانه حیاتی و تعیین کننده بود. در اثر این حرکت چشمان بسیاری به حقایق جنگ در خاورمیانه گشوده شد. حقایق درباره جنبش اسلامی و سازمان های تروریست اسلامی افشاء شد.

همانطور که استلا آسانژ، همسر جولین گفته است: "در طول سال های تعقیب و اسارت جولین، یک جنبش عظیم شکل گرفته است. مردمی که در سراسر جهان از افشاء مختلف نه فقط از جولین و خانواده ما دفاع می کنند، بلکه همچنین از عدالت و حقیقت، امری که جولین حامی آنست، دفاع می کنند.

ما آزادی جولین آسانژ را به استلا، به خانواده جولین، به تمام کسانی که در کمپین برای آزادی آسانژ فعالیت کردند و به تمام آزادیخواهان دنیا تبریک می گوئیم. آزادی آسانژ بویژه در این دوره حساس و خطیر تاریخی، در بحبوحه یک نسل کشی و قتل عام، دارای اهمیت بسیار است.

تریبون (۷ تیر ۱۴۰۳ - ۲۷ ژوئن ۲۰۲۴)

## فراخوان!

### **نتانیا هو بعنوان جنایتکار علیه بشریت باید دستگیر و محاکمه شود! در تظاهرات ۲۴ ژوئیه علیه اسرائیل و نتانیا هو شرکت کنید!**

قرار است نتانیا هو در ۲۴ ژوئیه در جلسه مشترک کنگره و سنای آمریکا در واشنگتن حضور رسانده و سخنرانی کند. این اقدام سمبلیک سیاسی ظاهراً در جهت استحکام بخشیدن و متحد کردن صفوف حاکمیت آمریکا در حمایت از سیاست پاکسازی قومی و نسل کشی مردم فلسطین توسط حاکمیت نژادپرست اسرائیل میباشد. ولی چه کسی است که نداند، دولت اسرائیل همچون ژاندارم در منطقه بدون حمایت و دخالت مستقیم حاکمیت آمریکا هیچ سیاست ماکروی را نمیتواند اتخاذ و به پیش برد.

در این میان حکم بشریت عدالت خواه، انساندوست و مدافع حقوق مردم فلسطین این است که این جنایتکار علیه بشریت، این سازمان دهنده پاکسازی قومی، این قاتل بیش از پانزده هزار کودک، این مجری ویرانسازی اماکن، شهر و کلیه ساختارهای جامعه و تمدن در غزه دستگیر و محاکمه شود. با او همچون راس ارتش و حکومت صرب، اسلوبودان میلانشویچ که در سازماندهی نسل کشی مردم بوسنی نقش اساسی داشته، باید عمل کرد و به دادگاه بین المللی برای محاکمه سپرد. این حکم میلیونها انسان متفر از جنایت و کشتار و بربریت قرن بیست یکم است که حتی ای سی سی، دادگاه کیفری لاهه بر آن مهر تایید گذاشته است.

در روز ۲۴ ژوئیه با شرکت وسیع در صف اجتماعات و اعتراضات بین المللی با شعار جانان علیه بشریت جایشان در زندان است شرکت کنیم و مبارزه برای عدالت و آزادی برای مردم فلسطین را هرچه بیشتر تقویت و به نسل کشی پایان بخشیم.